

## پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۶

هزار و سیصد و نود و سه - نیمسال دوم

- ۵ • استفاده از سیر اتساعی به مثابه جنایت جنگی  
صایون جیبس - سالحه رشمانی
- ۲۱ • تحلیلی بر تفسیر شورای نگهبان از قوانین آزمایشی در سه لایحه «تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»، «امور گمرکی» و «تجارت»  
وحید آگاه
- ۵۷ • قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی و شرایط آن در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با نگاهی به لایحه اصلاح قانون تجارت  
مهدی سکتور - سیدعلی حسینی
- ۷۱ • انحصار در کاموس قوانین و بررسی ضمانت اجرای آن در حقوق ایران  
حیدر پیری - مهدی مختار - اعظم مؤمنی تیریاری
- ۱۰۵ • چالشهای کشورها و تأثیر آن بر اموال و دیون کشور سابق در حقوق بین الملل  
علیرضا باقری لیانه
- ۱۲۹ • حقوق بین الملل و امنیت اتساعی در هزاره سوم  
آرمین طلعت
- ۱۵۹ • جایگاه عامل زمان در تفسیر معاهده بین المللی  
مژگان ولین تیا
- ۱۹۷ • وضعیت نظام حاکمیت شرکتی در حقوق ایران و ضرورت بازنگری لایحه قانون تجارت جدید  
اسین چغری





[http://jlr.sdil.ac.ir/article\\_32586.html](http://jlr.sdil.ac.ir/article_32586.html)

## وضعیت نظام حاکمیت شرکتی در حقوق ایران و ضرورت بازنگری لایحه قانون تجارت جدید<sup>۱</sup>

امین جعفری\*

### چکیده

حاکمیت شرکتی قواعد ساده شده حقوق شرکت‌های سهامی است، یعنی اینکه اساساً در قانون تجارت در معنای عام و قانون شرکت‌ها در معنای خاص، سازوکارهای مدیریتی برای حیات پایدار شرکت‌ها پیش‌بینی شود که البته این سازوکارها ابعاد و آثار حقوقی دارد. قانون تجارت ایران راجع به این‌گونه مسائل ساکت است. این در حالی است که در رویه شرکت‌های تجاری و بانک‌های ایران، اصول حاکمیت شرکتی در حال پیاده‌سازی هستند. لایحه قانون تجارت جدید نیز هر چند به برخی از ابعاد حاکمیت شرکتی اشاره کرده، اما متأسفانه راجع به این سازوکار کامل نیست و نواقص زیادی دارد. هدف از ارائه این مقاله بررسی چابکی و چرایی حاکمیت شرکتی از یک طرف و ضرورت پیش‌بینی آن در قانون جدید تجارت (۱۳۹۲) است.

### کلیدواژه‌ها:

حاکمیت شرکتی، قانون تجارت، لایحه جدید قانون تجارت، اصول حاکمیت شرکتی.

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۲۶، نیمسال دوم ۱۳۹۳  
صفحه ۱۹۷ - ۲۰۴، تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

1. The Status of Corporate Governance in Iranian Law and the necessity of reviewing new trade bill.

Email: amin\_isp@yahoo.fr

\*. دکترای حقوق بانکی، مدرس دانشگاه.

## درآمد

راجع به پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در حقوق ایران پیش از این سخن گفته شده است،<sup>۱</sup> در این فرصت ضرورت وجود حاکمیت شرکتی مورد بررسی قرار نخواهد گرفت؛ بلکه هدف بررسی زیرساخت‌های قانونی در نظام حقوقی ایران برای پذیرش و پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی است.

اگر بپذیریم که حاکمیت شرکتی سازوکار فرا حقوقی برای چهارچوب دهی در روابط کنشگران اقتصادی است، جایگاه آن در حقوق جایگاهی ویژه است. حقوق شرکت‌ها (Corporate Law) تنها به بررسی وظایف و حقوق تصمیم‌گیری، کنترلی و اجرایی سهامداران می‌پردازد، حاکمیت شرکتی (Corporate governance) اما، حقوق دیگر افراد مرتبط با شرکت<sup>۲</sup> را نیز مورد توجه قرار می‌دهد که از آن به ذی‌نفع خارجی<sup>۳</sup> یاد می‌کنیم. در این نوشتار به طور اجمالی به بررسی وضعیت قوانین ایران راجع به حاکمیت شرکتی می‌پردازیم و سپس تمایلات قانونگذاری در مورد حاکمیت شرکتی را بررسی خواهیم کرد.

## الف - قانون ایران و حاکمیت شرکتی

از عمده منبع حقوقی راجع به حاکمیت شرکتی، قانون تجارت ایران به عنوان منبع مادر حقوق بازرگانی است. علاوه بر آن یک سلسله دستورالعمل، بخشنامه، توصیه‌نامه و ... در بخش‌ها و نهادهای مختلف مانند سازمان بورس، بانک مرکزی و ... راجع به حاکمیت شرکتی به صورت پراکنده صادر شده است.

از این مسأله که قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ هجری شمسی و لایحه اصلاحی آن مصوب ۱۳۴۷ امروزه ناقص و ناکارآمد است، سخن بسیار گفته شده و نیازی به تکرار آن نیست و در مورد حاکمیت شرکتی متأسفانه باید گفت که این نواقص بیشتر است. در قانون تجارت، اگر برای مثال جرایم مدیران شرکت‌ها به چند ماده محدود شده که اجرای آن گنگ و نامفهوم است، در مورد مسائل جدید این مشکلات دوچندان است: در باب شرکت‌های سهامی، جایی برای دبیر شرکت<sup>۴</sup> - که همان مدیر حقوقی<sup>۵</sup> است - به عنوان رکن کنترلی در نظر گرفته نشده است و به جای آن از حساب‌رس و بازرس سخن رفته است. در مورد

۱. رجوع کنید به مقالات ارائه شده در بیست و چهارمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی، بیست و پنجم و بیست و ششم خرداد ۱۳۹۳.

<http://conf.mbri.ac.ir/conf24/Default.aspx?PageName=Pages&ID111=>

2. Stakeholders

3. Parties prenantes externes

4. Corporate Secretary

5. Chief Legal Officer: CLO.

دستمزد و پاداش<sup>۱</sup> مدیران، به طور صریح نیامده است و در مورد مسائل حقوق زیست محیطی نیز که جزء ذی نفعان خارجی به حساب می آید، پیش بینی خاصی صورت نگرفته است. در باب سوم ماده چهارم از قانون تجارت، در حقوق شرکت ها، ارکان زیر به عنوان ارکان تصمیم گیری، نظارتی و مدیریتی پیش بینی شده است:

- مؤسسان اولیه و مجمع عمومی مؤسسان اولیه در مواد ۶، ۱۶، ۱۷ و ۷۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

- بازرسان در مواد ۱۴۸، ۱۴۹ و ۱۵۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

- مجمع عمومی عادی یا سالانه در مواد ۷۲، ۸۶، ۸۸ و ۸۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

- مجمع عمومی فوق العاده در مواد ۸۳ و ۸۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

- هیأت مدیره شرکت در مواد ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۱۸ و ۱۲۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

- رییس و نایب رییس هیأت مدیره در مواد ۱۱۹ و ۱۲۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

- مدیرعامل شرکت در مواد ۱۲۴ و ۱۲۵. لایحه اصلاحی قانون تجارت.

- اشخاص وابسته و معامله با آنها در مواد ۱۲۹، ۱۳۲ و ۱۳۳.

### اصول حاکمیت شرکتی در قانون فعلی تجارت ایران در محورهای زیر آمده است:

۱. برخورد منصفانه و یکسان با سهامداران: منظور از برخورد منصفانه، عدم تبعیض میان سهامداران در ایفای حق نظارتی، تصمیم گیری و مدیریتی است.<sup>۲</sup> اگرچه قانون تجارت برای همه سهامداران، حقوق یکسانی در نظر گرفته است، اما حقوق سهامداران حداقلی یا خرد به طور کامل رعایت نشده است. زیرا عملاً حق مدیریتی سهامداران کوچک برای انتخاب اعضای هیأت مدیره با چالش مواجه خواهد بود، اما تصمیم صاحبان این سهام اندک برای یک شرکت می تواند بسیار حیاتی باشد؛ بنابراین صاحبان سهام کلان باید در راستای هم سو نمودن آنها با خود برآیند.

۲. توجه به حقوق سهامداران و کارکردهای حاکمیتی کنترلی: در این مورد مواد ۳۷ و ۳۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت مقرر می دارد: «ماده ۳۷ - دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حدنصاب تشکیل مجامع تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد.

1. Remunation

2. Parties prenantes externes

حق اطلاع رسانی از لحاظ نظری برای همه سهامداران در نظر گرفته شده است.

به‌علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این‌گونه سهام معلق خواهد ماند.

ماده ۳۸ - در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام، قبل از فروش سهام، بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه‌ها به شرکت پرداخت کنند، مجدداً حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و می‌توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد، مطالبه کنند.

**۳. توجه به نقش و حقوق کلیه ذی‌نفعان خارجی:** چنان‌که پیشتر گفتیم، قانون تجارت ایران، فقط به ذکر حقوق ذی‌نفعان داخلی پرداخته و در مورد ذی‌نفعان خارجی اعم از اشخاص، محیط، کارمندان شرکت و ... ساکت است.

**۴. شفافیت و افشا:** قانون تجارت ایران راجع به اصول شفافیت، به استانداردهای حداقلی اکتفا کرده و به دیگر موارد نپرداخته است. در این خصوص می‌توان به جرم افشای اطلاعات پنهانی اشاره نمود که البته در قوانین جداگانه دیگری جرم‌انگاری شده است، ولی در قانون تجارت از آن سخنی به میان نیامده است.

جدای از شفافیت برای ذی‌نفعان خارجی، شفافیت برای ذی‌نفعان داخلی نیز در سطح قابل قبولی نیست و شفافیت کلیه اطلاعات مانند صورت جریان نقدی، نظیر دیگر کشورها، در قانون تجارت ایران پیش‌بینی نشده است.

**۵. نقش و مسؤولیت هیأت مدیره شرکت:** هر چند که وظایف هیأت مدیره در قانون مشخص شده است، پیشگیری از ریسک، از طریق کمیته‌های عالی مدیریت ریسک مختص بانک‌ها، کمیته‌های حسابرسی، نظارت و کنترل‌های داخلی پیش‌بینی نشده و فقط به ذکر اقدامات بازرسان بسنده شده است. در اینجا تکرار این نکته ضروری است که قانون تجارت ایران میان «بازرس» و «حسابرس مستقل» قائل به تفاوت نیست. در حالی که می‌دانیم این دو اصطلاح متفاوت‌اند: حسابرس مستقل، صحت صورت‌های مالی را به‌طور سالانه گزارش می‌کند و بازرس، کلیات و عملکرد شرکت را با رعایت اساسنامه آن در هر سال مالی اعلام می‌دارد.

**۶. ایجاد جایگاهی مناسب برای اعمال حاکمیت شرکتی که همان ساختار و عملکرد شرکت است:** ایجاد جایگاهی مناسب در واقع آماده‌سازی بانک برای نظارت کارآمدتر و سالم‌تر است. از این لحاظ، باید از هر آنچه نظارت سالم را پیچیده می‌کند و اختیارات بی‌حدوحسابی را در اختیار افراد خاصی قرار می‌دهد، جلوگیری کرد. به عنوان مثال قانون تجارت به راحتی این امکان را می‌دهد که مدیرعامل، هم‌زمان رییس هیأت مدیره نیز باشد که این امر فسادآور است و می‌تواند بر تصمیمات شرکت تأثیر سوء بگذارد. در موردی دیگر،

قانون پیش بینی نکرده که اگر تعداد مخالفان و موافقان در تصمیم‌گیری هیأت مدیره یکسان باشد، چه راهکاری باید ارائه شود. این دست بی‌توجهی‌ها در قانون تجارت ایران به دفعات یافت می‌شود که شاید از بارزترین آنها، عدم تفکیک صحیح سازوکار کنترلی - نظارتی و مدیریتی است. گواه این مدعا، ماده ۱۰۷ این قانون لایحه اصلاحی قانون تجارت است که پیش‌بینی کرده، مدیران شرکت باید از سهامداران باشند؛ در حالیکه گفته شده است که این سهام به منظور جبران خسارت‌های وارده به بانک در نتیجه سوءمدیریت مدیران، به عنوان وثیقه تا پایان دوره مسؤولیت آنها، در صندوق نگهداری می‌شود (ماده ۱۱۴) لایحه اصلاحی قانون تجارت.

### ب - تمایلات قانونگذاری

احساس نیاز به سازوکار کنترلی و مدیریتی به‌روز و کارا در شرکت‌ها، مقنن را بر آن داشت تا به اصلاح قانون کهنه تجارت دست زند و در همین راستا در سال ۱۳۹۲ لایحه قانون تجارت پیشنهاد شد. با این حال در این لایحه نیز برخی از این بی‌توجهی‌ها به قوت خود باقی مانده و در باب حاکمیت شرکتی تصمیمات جدی گرفته نشده است. فقط به‌طور پراکنده یک سلسله مسائل در مواد مختلف آمده است.

لایحه ۱۳۹۲ قانون تجارت میان بازررس (ماده ۲۴۸ به بعد) و حسابدار رسمی به‌طور نسبی تفکیک قائل شده است، هر چند که تفاوت آن دو را مطرح نمی‌کند: در بند ۲ ماده ۲۵۶ انطباق با استانداردهای حسابداری به بازررس سپرده شده که اساساً وظیفه حسابرس است. در این زمینه تبصره ۱ ماده ۲۱۴ مقرر می‌دارد: «در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام، تعاونی سهامی عام و شرکت‌های تابع و وابسته آنها گزارش حسابدار رسمی نیز باید به صورت‌های مالی شرکت ضمیمه شود. حسابدار رسمی باید علاوه بر اظهارنظر درباره صحت صورت‌های مالی و انطباق آنها با استانداردهای حسابداری گواهی کند که کلیه دفاتر و صورتحساب‌ها و توضیحات لازم را در اختیار داشته است. حسابدار رسمی موضوع این تبصره باید از بین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران انتخاب شود».

تبصره ۲ نیز پیش‌بینی می‌کند: «استانداردهای حسابداری به پیشنهاد سازمان حسابرسی کشور ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد». راجع به اعضای موظف و غیرموظف نیز توضیحی داده نشده است، فقط در ماده ۲۳۲ مقرر شده است: «مجمع عمومی عادی می‌تواند بابت ساعات حضور اعضای غیرموظف هیأت مدیره در جلسات هیأت مذکور پرداخت مبلغی مقطوع را به آنها تصویب کند. اعضای غیرموظف

هیأت مدیره حق ندارند جز آنچه در این ماده و ماده ۲۳۳ این قانون پیش بینی می‌شود؛ وجهی را در قبال سمت مدیریت خود به‌طور مستمر یا غیرمستمر از شرکت دریافت کنند». در این زمینه باید گفت که این ماده ابهام دارد: مستمر دریافت کردن وجه آیا دوره زمانی خاصی دارد یا خیر؟ اساساً چه چیزی وارد تعریف «وجه» می‌شود و چرا برای مثال دریافت‌های غیرنقدی از این ماده خارج شده است؟ با توجه به اینکه این ماده می‌تواند وسیع باشد و به همین صورت جنبه کیفری به خود گیرد، چرا ارجاع به مواد قانون کیفری داده نشده است؟ همچنین نظام پاداش دهی به‌طور اجمالی پیش بینی شده است و به‌طور کلی با استانداردهای جهانی نظارتی (برای مثال بازل برای بانک‌ها) کاملاً مطابق نیست. در این مورد ماده ۲۳۳ مقرر می‌دارد: «مجمع عمومی عادی می‌تواند در صورت پیش بینی اساسنامه، تخصصی مبلغ معینی را به عنوان پاداش سالانه مدیر یا مدیران تصویب کند. حداکثر مبلغ پرداختی به هر یک از مدیران به عنوان پاداش سالانه تحت هر عنوان نباید برای عضو غیرموظف از پنج برابر دریافتی وی و برای عضو موظف از دو برابر دریافتی وی در طول سال مالی مورد رسیدگی بیشتر باشد».

قانون جدید در مورد دیگر مسائل حاکمیت شرکتی مانند محیط زیست و دغدغه‌های مربوط به آن هنوز ساکت است. در مورد حقوق سهامدار اقلیت نیز لایحه جدید مانند قانون قبلی است و تغییری در آن مشاهده نمی‌شود (ماده ۱۷۶).

از طرف دیگر بانک مرکزی، نهاد ناظر بانک‌ها، به نوبه خود در راستای سیاست‌های نظارتی، در جهت رفع کاستی‌ها برآمده و به ارائه دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها پرداخته است. در توصیه‌نامه‌های بانک مرکزی برای بحث تطبیق اصل ۴، ماده ۱۸ تأکید ویژه‌ای به حق اطلاع‌رسانی و شفافیت دارد.<sup>۱</sup>

در سال گذشته نیز بانک مرکزی با ابلاغ مصوبه ۱۳۹۲/۴/۱۸ در خصوص «اساسنامه نمونه بانک‌های تجاری غیردولتی» در جهت درونی کردن اصول حاکمیت شرکتی در

۱. علاوه بر آن، از مجموعه بخشنامه‌ها و توصیه‌نامه‌های بانک مرکزی می‌توان به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره کرد:  
 - بخشنامه شماره ۹۲/۱۰۵۴۶۵ در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۱۳؛ ابلاغ ترجمه کتاب استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم.  
 - بخشنامه شماره ۲۹۸۲۶۳/۹۱ در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۸ هشدار بانک برای رعایت دقیق قوانین و مقررات نظارتی، که برای انضباط بیشتر در ارائه تسهیلات است.  
 - بخشنامه شماره ۲۶۲۷۳/۹۰ در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۵، ابلاغ سیاست‌های پولی، اعتباری و نظارتی نظام بانکی کشور مصوب یکپهزار و سیصد و سی و چهارمین جلسه شورای پول و اعتبار.  
 - بخشنامه شماره ۴۱۴۷۸/۹۰ به تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۶، ابلاغ دستورالعمل مبارزه با پولشویی در مؤسسات اعتباری (پولشویی به عنوان یک ریسک مطرح شده که نیازمند نظارت است).  
 - ترجمه اصول ۲۵ گانه مدیریت بازل و دیگر اصول و راهکارهای مدیریتی آن و از دیگر اقدامات بانک مرکزی برای پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی است.

بانک‌های خصوصی اقدام کرده است. در این راستا بانک مرکزی به تبیین اصول حاکمیت شرکتی برای بانک‌های خصوصی می‌پردازد؛ بدون آنکه نیاز به گذشتن از صافی قانونگذاری باشد. با این حال از آنجایی که در برخی مواقع این دست‌ورعمل‌ها با قانون تجارت هم‌سو نیست، توسط دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

سازمان بورس و اوراق بهادار نیز در همین راستا با ایجاد تابلوی جدیدی در بازار بر مبنای چک‌لیست نظارتی و رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی که به «تابلوی برتر بازار» تعبیر می‌شود، سعی در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس دارد. همزمان، براساس اصول حاکمیت شرکتی یک نظام رتبه‌بندی در نظر گرفته شده که براساس آن شرکت‌های برتر رتبه بالاتری خواهند داشت که خریداران سهام اهمیت بیشتری برای آن قائل خواهند بود. انتخاب سهامداران براساس مواردی مانند شفافیت بیشتر، مسائل نظارتی شرکت، تعامل اعضای هیأت‌مدیره با دیگر ارگان‌ها، مسائل حساسی و ... خواهد بود.

حال پرسش اینجاست که بر چه اساس و استانداردی نظام رتبه‌بندی شکل می‌گیرد؟ آیا به اصول جهانی حاکمیت شرکتی یعنی شفافیت بیشتر، نظام کنترلی دقیق تر ... رجوع باید نمود یا فقط با دستورالعمل‌های نهادهای نظارتی مانند بانک مرکزی و سازمان بورس، استانداردسازی نظام حاکمیت شرکتی و به تبع آن رتبه‌بندی براساس آن - با توجه به این امر که حاکمیت شرکتی هنوز در ایران ناشناخته است - امکان‌پذیر است؟ نظام رتبه‌بندی هر چند که افق تازه‌ای را برای نظام‌مند کردن مدیریت شرکت‌ها با احترام به قواعد تجاری باز خواهد کرد؛ اما از آنجایی که اصول حاکمیت شرکتی همگن و استاندارد نیست، ناهماهنگی و سردرگمی را به دنبال خواهد داشت.

## برآمد

با توجه به آنچه که گفته شد، پیاده‌سازی نظام حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها و بانک‌های ایرانی با چالش‌های زیادی مواجه است. این چالش‌ها از یک طرف برای ناشناخته بودن نظام حاکمیت شرکتی است که هر شرکت و بانکی را مجاب می‌کند که با توجه به اصول رقابتی، خود با تفسیری متفاوت از اصول بین‌المللی به پیاده‌سازی آن پردازد و از طرف دیگر نظام

۱. این امر مشکلات زیادی را پدید می‌آورد که برای مثال می‌توان به مسائل زیر اشاره نمود:

- عدم هماهنگی کامل میان بانک‌ها در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی.
- نامشخص بودن نقش‌های نظارتی در بانک‌های مختلف و عدم پاسخگویی.
- معطل ماندن وظیفه کمیته ریسک در برخی بانک‌ها و بعضاً عدم تشکیل و عدم استقلال آن.
- کنترل‌های داخلی بطور مستقل از اصول حاکمیت شرکتی بازل عمل کرده و بعضاً در بانک‌های خصوصی دیده شده است که جزیره‌ای اقدام می‌کنند.



قانونگذاری ایران در مورد حاکمیت شرکتی بی توجه بوده است که این خود باعث شده دیگر ارگان‌ها مانند بانک مرکزی دست به صدور بخشنامه، توصیه‌نامه ... بزنند که بعضاً با توجه به تعارض با قوانین اصلی مانند قانون تجارت فعلی در دیوان عدالت اداری باطل می‌شوند. در این زمینه فقط راهکار برای جلوگیری از سردرگمی و تشتت، بازنگری لایحه قانون تجارت جدید پیش از تصویب نهایی آن و نظام‌مند کردن قانون حاکمیت شرکتی است. فرصتی تاریخی که حقوقدانان و صاحب‌نظران نباید از آن غافل باشند.

### منابع فارسی

۱. اعرابی، محمد، رحیم زارع و مسعود مقدس. «جایگاه اصول حاکمیت شرکتی در قانون تجارت ایران». فصلنامه مجلس و پژوهش ۶۵ (۱۳۹۰): ۳۷-۶۷.
۲. جعفری، امین. حقوق کیفری کسب و کار. تهران: شهر دانش، ۱۳۹۳.

### منابع انگلیسی

- 1- CHAPRA, Umer. AHMED, Habib. Corporate Governance in islamic financial institutions. Islamic Development Bank. Occasional Paper # 3. 2002. 87 pages.
- 2- DESBARATS, 2.Isabelle. «Regard sur un instrument majeur de la gouvernance d'entreprise : quid de la nature juridique des codes d'éthiques ?», Revue Lamy Droit des Affaires, 2008, n 32.
- 3- HAQUE, Faizul, ARUN, Thankom. KIRKPATRICK, Colin. «Corporate govern ance and Capital Market : A conceptual framework»
- 4- IIF. Equity Advisory Group. 4. Policies for Corporate Governance in Emerging Markets, Revised Guidelines, May 2003, 5.
- 5- KHAN, Tariquallah. Corporate Governance in islamic banks (IBs). IRTI/ IDB. 5. Powerpoint. GDLN IRTI Distance Learning Lecture. 22 April 2008.
- 6- MULLER, Yvonne. «Gouvernance d'entreprise, droit et comptabilité», 6. Revue de jurisprudence commerciale, Les Cahiers du Chiffre et du Droit, n° 1, 2013, 29-31.

## Status of Corporate Governance in Iranian Law and the necessity of reviewing new trade bill

Amin Jafari

**Abstract:**

The corporate governance defines as simple rules of Corporate law. Iranian commercial code is silent regarding corporate governance whereas the practice of principles of this mechanism in corporations and banks are being implemented. unfortunately, the new Commercial bill (2013), in regarding the corporate governance is not completed and has many shortages although it includes some aspects of corporate governance.

The purpose of this article, in one hand, is to examine the reason that corporate governance exist and on the other hand is the study of the need to anticipate the new commercial law.

**Key words:**

Corporate Governance, Commercial Code, New Trade bill, principles of corporate governance.

# Journal of LEGAL RESEARCH

**VOL. XIII, No. 2**

**2014-2**

- **Using of Human Shield as a War Crime**  
Homayoon Habibi - Saleheh Ramezani
- **An analysis on interpretation of guardian council about Experimental Laws in three bills of "organization and procedure of Court of Administrative Justice", "customs affairs" and "commercial"**  
Vahid Agah
- **Possibility or impossibility of rehabilitation of legal entities and its condition in trade law act of 1311 looking to trade reform bill**  
Mehdi Sokhanvar - Seyed Ali Hoseyni
- **Monopoly in the light of Regulations and it's Enforcement in Iran Laws**  
Heidar Piri - Mehdi Montazer - Azam Momeni Shio Yari
- **Succession of States in respect of State property and Debts**  
Alireza Bagheri Abyaneh
- **International Law and Human Security at the Third Millennium**  
Armin Talaat
- **The Role of Time Element In the interpretation of the International treaty**  
Mozhgan Raminnia
- **Status of Corporate Governance in Iranian Law and the necessity of reviewing new trade bill**  
Amin Jafari



**S. D. I. L.**

**The S.D. Institute of Law**  
Research & Study